



استاد فریدون حاجی زاده آزاد در گفتگو با گروه مدیران طلایی پیرامون هنرهای اسلامی در عصر معاصر و راههای تاثیر گذاری وسط و توسعه آن در بین جوانان و علاقمندان چنین اظهار داشت:

ما انسان ها یک راه بیشتر نداریم. به قول دکتر شریعتی: پسر ما اگر می خواهی به دست هیچ استعمار گری گرفتار نشوی یک کار بکن: بخوان و بخوان و بخوان. من هم به جوانان توصیه می کنم که اگر می خواهید آزاد زندگی کنید و آزاد مرد باشید خودتان برای خودتان تصمیم بگیرید نه دیگران برای شما تصمیم بگیرند، فقط سفارش می کنم بخوانید و بخوانید و بخوانید. در جامعه اسلامی ما بسترهای بسیار مناسبی برای ارتقای دانش و تقویت بنیاد خانواده فراهم است. احادیث و روایات و سخنان بزرگان و رهبران دینی و شعر و ادبیات ایران زمین وقتی با هنرهای همچون خوشنویسی، تصویرگری و نقش و نگارهایی که ریشه در هنر اسلامی دارد آراسته می شود، می تواند مخاطبین بیشتری را با خود همراه سازد.

پسر. دخترم مهندس کامپیوتر و حافظ ۲۰ جزء قرآن است، پسرم طبله است و پسر کوچکم کلاس دهم است و در مدرسه تیزهوشان شهید هاشمی نژاد تحصیل می کند.

صحبت از دوران دفاع مقدس و جبهه شد، جنابعالی چندبار افتخار این را داشته اید تا در جبهه ها حضور داشته باشید؟

من در دوران دفاع مقدس این افتخار را داشته ام که هشت بار به جبهه اعزام شوم و اثر ترکش های زیادی را در بدن دارم و بارها گرفتار موج های انفجار شده ام. من در کربلای ۵ دستم و در کربلای ۱۰ گوشم و پشتم آسیب دید، در جزیره مجنون پایم آسیب جدی دید، اما هر بار خداوند خواست که زنده باشم و افتخار شهادت نصیب من نشد.

پس از سالها تحقیق و پژوهش پیرامون خوشنویسی و ابداع خط احرام، چرا و چه زمانی تصمیم گرفتید برخی از دست نوشته های خود را تدوین و به کتاب تبدیل نمایید؟

در واقع باید گفت من از اول انقلاب داخل کتابخانه بزرگ شده ام. مادرم می گفتند تو اگر برای خوابیدن توی کتابخانه جا و امکانات داشتی به خانه نمی آمدی! من وقتی آمدم مشهد یک وانت کتاب به

معلم بوده و هستم، دوستان به من لطف داشته اند و من را به عنوان مدیر یکی از مدارس غیر انتفاعی منصوب نموده اند و علاوه بر آن به عنوان عضوی از مدارس مذهبی خراسان افتخار خدمت دارم. به همین خاطر برخی مواقع جلساتی با مقاماتی همچون مدیر کل آموزش و پرورش استان و سایر بزرگان داریم، اما واقعیت این است که هیاهو و تحمیل کردن خود و آثارم در محافل

سرم را بالا بگیرم و با افتخار بگویم این پسر من است. من معلمی را انتخاب کردم. عموی بزرگوارم که هم اکنون در تبریز زندگی می کنند نصیحت می کردند و می گفتند، نمی خواهم بگویم چکاره شوید، اما هیچ وقت به نفر دوم بودن رضایت ندهید. طوری که بگویند بهترین نجار شهر، فلانی است، بهترین معلم شهر فلانی است. طوری تلاش و رفتار کنید که نفر اول باشید.

من چون در دانشسرای تربیت معلم پذیرفته شده بودم، نیازی نبود بروم سربازی، پس از طی دوره دانشسرای تربیت معلم و دریافت لیسانس، ابتدا در مقطع ابتدایی درس می دادم و سالها معاون دبیرستان بودم و بعد از آن از سال ۱۳۷۰ به مشهد آمدم.

از پدر و فعالیت شغلی ایشان بگویید:

پدرم حاجی حاجی زاده آزاد،

شما مدع خط جدیدی به نام "احرام" هستید، از چرایی و دلیل نام گذاری این خط بگویید:

سال های زیادی از عمرم را وقف و صرف خوشنویسی نموده و با تمرین و ممارست و ایده پردازی سرانجام موفق شده ام خط احرام را ابداع و در سال ۱۳۸۶ به طور رسمی به ثبت برسانم. در پاسخ این سوال که چرا نام "احرام" را برای این خط انتخاب نمودم باید مقدمه ای را عرض نمایم و آن

از شناسنامه و سالهای دور و خاطره ها بگویید:

من فریدون حاجی زاده آزاد، در سال ۱۳۴۲ در خانواده ای آذری زبان در گنبد کاووس متولد شدم. دوران دبستان تا دیپلم را در گنبد کاووس و بعد از آن دوره فوق دیپلم را در گرگان و دوره کارشناسی را در مشهد گذرانده ام. اجازه بدهید در همین شروع گفتگو، خاطره جالبی را از دوران کودکی تعریف کنم. کلاس پنجم ابتدایی بودم، روزی مادرم به مدرسه آمد و از جناب آقای قلجانی که معلم من بود، اگر انشاءالله در قید حیات هستند برایشان آرزوی سلامتی دارم و اگر هم در قید حیات نیستند خداوند ایشان را قرین رحمت خود سازد، وضعیت درس من را سوال کرد، ایشان گفتند درس فریدون خوب است اما خطش ... (ایشان فقط سه بار سرش را تکان داد و هیچ نگفت). به من که شاهد این صحنه بودم آنقدر بر خورد که به خود آمدم و از همان روز عزم خود را جزم کردم و روزها و ماهها و سالها نشستم و نوشتم و آموختم تا امروز که با ابداع و ثبت خط جدیدی در کشور و آثار و تالیفات متعدد در خدمت شما هستم. واکنش معلم آن روز من به سوال مادرم، که هزار معنا در آن نهفته بود، زنگ هشدار و تلنگری برای موفقیت های من بود.

من یک معلم هستم همین و بس / سال ها حضور در عرصه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به من آموخته است که تمام مسیرها با ابزاری به نام ایمان و صداقت به رشد و تعالی انسان منجر می شود. آموزش و پرورش به عنوان یکی از پاک ترین نهادها و سالم ترین فضاها که ماموریتی بسیار خطیر به عهده دارد وظیفه اش انسان سازی است و نگاه فردای هر جامعه بعد از خانواده به این نهاد مقدس است. پر واضح است که نقش هر معلم از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی تفکیک آن با نقش پدرها و مادرها کار دشواری است ضمن اینکه در عرصه تعلیم و تربیت باید الفبای حضور در زندگی اجتماعی را به صورت عمومی و تخصصی به دانش آموزان و مخاطبینی که پر جمعیت ترین گروه از افراد جامعه را تشکیل می دهند آموزش داد. تمام افتخار من این است که یک معلم هستم همین و بس.

و مجالس، بارو حیات من سازگار نیست.

در چه سالی ازدواج کرده اید و حاصل آن چیست؟

سال ۱۳۶۸ ازدواج کردم، آن زمان مادرم می گفتند تا برای فریدون زن نگیریم مرتب می رود جبهه و تمام تلاش ایشان این بوده که من ازدواج کنم و به اصطلاح مهار شوم و جبهه نروم (با خنده). سه فرزند دارم، یک دختر و دو

من سعی کردم در عرصه های هنری مثل نقاشی و خوشنویسی کارها و سبک های متفاوتی انجام دهم و بارها معلم نمونه ناحیه شده ام.

آیا به واسطه آثار فاخر خود، شرایطی ایجاد شده است که دیدارهایی با مقام ها و شخصیت ها داشته باشید:

من سعی کرده ام از خودنمایی و تظاهر خودداری کنم. من یک

کشاورز بودم و در حین کشاورزی به تجارت گندم و پنبه می پرداختم. پدر بزرگوارم در سال ۱۳۸۹ فوت شدند.

بزرگترین نصیحت پدر:

ایشان می گفتند شغلی را انتخاب کنید که من به آن افتخار کنم، هر شغلی باشد فرق نمی کند و مهم این است که آبرو مند باشد و روزی که در حال قدم زدن در خیابان و یا در هر مجلس و محفلی هستم،

اینکه: قلمی دارم که برایم از مکه هدیه آورده اند و من برای رقیق کردن خط از آب زمزم استفاده می کنم. قلمی که از مکه برایم آورده اند، طواف دور خانه خدا که از آن به احرام یاد می کنند، آب زمزم و نام کوچک پدرم که "حاجی" است، همه نشانه هایی بودند که تصمیم گرفتم نام این خط را "احرام" بگذارم و با همین نام ثبت ملی شده است.

وسالهای بعد از دانشگاه:

